

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

آزاد ل.

۱۲ اگست ۲۰۱۷

شاید، شارلتان و رقاصه سیاسی (هاشمیان)

بعد از مدتهاگم شدن و یا هم مصروف بودن به چاپلوسی برای کسی، حزبی، رهبری و ... این اعجوبه روز گار دو باره سر و کله نحسش پیدا و طی نوشته ای دو باره چسپندگی فکری خود را برای ظاهر شاه و حاکمان در کشور ما اعلان نمود.

این که چرا از بین تمام منفی های شخصیتش تنها موضوع چاپلوسی اش را مشخص ساختم این که : این صفت یعنی (چاپلوس بودن) در تر کیب وجود نحسش بیشترین در صدی رشد این حیوان را دارد.

از ابتدای طفولیت و رشد جسمی اش البته از آن زمانی که شروع به فضله خوری پادشاهان، زور مندان، حاکمان و اولاده آنها همچنان در هر دوره تحول سیاسی در کشور (درین چهل سال اخیر) که بنا بر دست اندازی نیرو های امپریالیستی و مهاجم تحول پذیر بوده خود را سر آمد تمام اپورتونیست ها و مر تجعین کشور ساخت.

این موجود که موجودیتش حتی سبب شرمندگی اعضای فامیل و مقربانش هم گردیده است چنان احمق تشریف دارد که برای مقدس جلوه دادن خود یعنی (سید) می گوید: فلان افسر مغول در فلان قرن به کشور ما حمله و بر ناموس ما تجاوز نمود که (هاشمیان) ثمره این تجاوز و بیناموسی هست؟؟ یعنی حرامزاده از نسل مغول اسلامی (عربی) سچ و پاک حرامزاده؟؟

دوستان !! نوشته های این گندیده مغز را اگر ضیاع وقت تان نشود بخوانید می دانید که این چه نوع جانوری است؟ او ظاهر شاه، داوود شاه، تمام رهبران حزب منفور(خلق) پرچمی و خلقی، گروه های شونویست افغان ملتی و ... اخوانی های شناخته شده، ملا عمر و امثالهم برایش فرقی ندارد و به همه ارادت خاص دارد چون او خدمتگذار، بوت پاک و جیره خور زور مندان می باشد و می خواهد فقط مشهور شود. به نام سید، عالم و دانشمند و پروفیسور به جامعه محروم از سواد ما خودش را تحمیل و منفعتی ببرد

این کثافت به وضاحت در خدمت پرچمی ها و ملا عمر و هر نیروی مسلط در کشور غمزده ای مآقرار داشت و دارد او تشنه شهرت در کثافت کاری ها است فقط می خواهد زبانزد عام و خاص باشد.

در این اواخر دیدم که این جاسوس چند جانبه و خاین ترین فرد برای مردم افغانستان خواسته است که از خطاها و گناهای که مرتکب شده است از (تعدادی) از هموطنان شریف ما نسبت گستاخی های که از او در مقابل اوشان سر زده معذرت بخواهد؟؟؟ یعنی چی؟؟

این نوشته او یک خاطره قدیمی مقوله فلکلوری را به یادم انداخت : سال ۱۹۸۰ در کابلی بازار پشاور عصر روز با دوستانی و در سماوار یا به اصطلاح درکافه ای نشسته بودیم چای می خوردیم تازه جوانی با ریش تراشیده و بروت های نو رسیده لنگی پهلوی، پیراهن و تنبان اتو شده سگرت به دست، کاکه با شان و فرت عجیبی نزدیک ما شد یعنی نزدیک چهار پائی (آنوقت در اکثر رستوران های پاکستان غرض سهولت مشتریان چهار پائی می گذاشتند) به مجرد نزدیک شدن آن نو جوان یکی از دوستان صدا زد: قند جان ! اینجا چه کار می کنی ؟ این جوان تازه وارد که چند بادیگارد مسلح هم داشت (در اکثر نقاط پاکستان بعضی از احزاب اسلامی که وظیفه کشتار و وطنپرستان و فرزندان صدیق این سر زمین را به عهده داشتند از طرف حکومت و آی. اس. آی کاغذی داشتند که به اعتبار آن می توانستند اسلحه و بادیگارد های مسلح با خود داشته باشند) آن شخص با همان کاکگی اما با شرمندگی خاصی گفت : این دوستان که اینجا نشسته اند قابل اعتماد هستند؟ دوستم که من را نسبت به خود مشکوک ساخته بود گفت: بلی . بگو نترس!! او گفت : آمده ام تا کست های خود را از تمام رستوران ها جمع کنم. چون الان قومندان حزب اسلامی گلبدین هستم ؟؟؟؟؟؟ دوستم (در ویش) اکنون نامش را می گویم چون چندین سال است به جاودانگی پیوسته است برایش گفت : (قند جان) اگر تمام آن کست ها را از تمام افغانستان جمع کنی با آن پاره ات چه می کنی ؟؟؟؟؟

دوم : گویند شخصی حرام خور، چاپلوس، بی وجدان و تنها یک فرزند و یک گاو داشت، بمرد . یگانه پسر که می دانست پدرش چه آدم هرزه و بی وقاری بوده است بنا بر کلچر تحمیل شده اعراب بر ما و همچنان دلسوزی پسر به پدر خواست یگانه منبع عایدش را که همان گاو بود قربانی کند ؟ تا مگر خداوند از گناهان پدرش در گذرد و او را بهشتی سازد؟ او به تعدادی از افراد قریه احوال فرستاد من جمله ملای مسجد. ملا از او پرسید چه تصمیمی داری ؟ گفت: چون پدرم آدم سست عنصر، بی وجدان، چاپلوس، طماع، جنگ انداز، خود خواه و شهرت طلب بود. دلم سوخت و یقین دارم به دوزخ می رود خواستم این گاو را قربانی خدای(رشوت خور) کنم تا باشد اگر گناهان او را ببخشد ؟ ملا گفت : پسر! پدرت در زندگی خود آنقدر گه خورده است که نه تنها با قربانی این گاو بلکه با صد ها و هزاران گاو هم نمی توانی جبران آنهمه کار های که پدرت نموده است بکنی ! فلهذا خود را بی گاو مکن ؟؟؟!!

این دو موضوع ارتباط مستقیم با زندگینامه شرمگین این "هاشمیان" دارد. نمی دانم چرا این کثافت معذرت خواهی می کند ؟؟ از کدام کار ها ؟؟ بگو از کدام عمل منفورت معذرت می خواهی ؟؟ حال گیرم بنا بر مقوله اول که شرح دادم دوستان و ارجمندان گناه های بزرگ چاپلوسی، فتنه انگیزی، بی حرمتی به دیگران، دست بوسی (ملا عمر) خادم و نوکر پر چمی ها بودند، دیده درائی هایت، بیشرم بودند، جاسوس بودند، پوزمالیدنت به در بار استعمار و گه خوری هایت را با بزرگواری بنا (بر تر حم) بخشیدند با آن نوشته های دون صفتانه خود که حیثیت (آنجا) قند رقاصه و بچه بیریش را دارد (چه می توانی انجام دهی ؟؟؟؟

و همچنان آیا گناهان و گه خوردن های تو به اندازه ای است که با یک معذرت خواهی همه حل شود ؟؟ برای روشن شدن این موضوع طرح شده توجه شما عزیزان را به چند سطری از این زبانه تاریخ معطوف می دارم.

هاشمیان !!! معذرت خواهی شما بسیار بیمورد است

شما که در تمام عمر تان راپور چی و چاپلوس بوده اید نباید از تعداد مشخص رو شنفکران و مطبوعاتیان در معذرت خواهی خود نام ببرید. شما باید از تمام ملت و مردم محروم کشور که از سالیانی درازی به اینطرف قربانی ظلم و استبداد زور مندان، دولت های دست نشانده، اخوانی های کثیف مشمول شورای نظار، باند آدمکش گلبدین ملا عمر کثیف. و گر دیده اند با کمال خجالت و شرمندگی معذرت بخواهید و به همه بفهمانید که شما همه عمر تان در خیانت به وطن و ملت در جهت دفاع از منافع امپریالیست های جهانی سپری شده و در این وقت مردن خودت یک چیزی

به نام (وجدان) در شما پدید آمده و شما را عذاب داده و ادار به معذرت خواهی نموده است
امید وارم اگر چنین کاری از طرف موجود کثیفی مثل خودت عملی شود همه ملت شریف و مجروح ما که صد ها سال
است قربانی امیال شوم سیدها، حضرتها، نقیبها، ملا و مولوی و ده ها نوع کثافت دیگر محصول فابریکه های
استعماری گردیده اند شما را ببخشند!!؟

اما بدان ! که (وطن مادر است) و مادرها خون فرزندان خود را نمی بخشند